

گفتنی است که در تیرماه سال ۱۳۸۰ نوع و حجم مطالب نفتی مندرج در مطبوعات کشور به گونه‌ای بود که وزیر نفت در نامه‌ای خطاب به رییس جمهوری از «سیاسی شدن غیرعادی مسائل مربوط به قراردادهای نفتی» یاد کرد و ابراز نگرانی کرد. رییس جمهوری نیز در پاسخ به این نامه علنی شده، «هیاهوهای» برپا شده را «غیر منصفانه» ارزیابی کرد. با وجود این از آن همه «هیاهو و جنجال» چنانکه در مطبوعات آن دوره بود، در این مجموعه خبری نیست. البته نه اینکه هیچ مطلب انتقادی نباشد، اما چنان هم نیست که فضای مطبوعاتی آن دوره را به ذهن‌ها متبادر کند.

برای بررسی نوع و سطح محتوای این مجموعه، ناگزیر باید به فرازهایی از مطالب کتاب اشاره‌ای داشت. مجموعه‌ی مطالب انتخاب شده در ده فصل طبقه‌بندی شده است.

در فصل یکم، ذیل عنوان «موانع سرمایه‌گذاری خارجی در بخش نفت و گاز» پنج مقاله انتخاب شده است در مقالات این فصل، شرحی اجمالی از موانع فرهنگی، تاریخی و خارجی ارائه شده است. تحریم نفتی آمریکا علیه ایران و سیاست انرژی آمریکا، دیگر محورهایی است که در مقالات این فصل به آن پرداخته می‌شود.

پنج مقاله هم در فصل دوم، ذیل عنوان «توسعه صنعت گاز ایران» آمده است. با مطالعه‌ی مطالب این فصل، اطلاعاتی درخصوص میدان‌های گازی مشترک کشور، به ویژه میدان عظیم گازی پارس جنوبی، دستگیر خواننده خواهد شد. در عین حال گزارشی از وضعیت تولید و توسعه این میدان گاز و اقدامات صورت گرفته توسط ایران و قطر برای بهره‌برداری هر

آخری کتابی تحت عنوان موج دوم: چالش‌های توسعه در صنعت نفت ایران، به چاپ رسیده و روانه‌ی بازار شده است. این کتاب گزیده‌ای از مقالات و یادداشت‌های مرتبط با مقوله انرژی، دقیق‌تر بگوییم نفت و گاز است که از شهریور ۱۳۷۹ تا اواخر سال ۱۳۸۰ در مطبوعات کشور به چاپ رسیده است. داریوش مبصر که خود در کار مقاله‌نویسی در این خصوص هم دستی دارد، به همراه گروهی از همکاران، همت به خرج داده و از انبوه مقالات آن دوره، ۵۰ مقاله را از نشریات عمومی برگزیده و به صورتی هدفمند در ده فصل جداگانه آورده است.

انتشارات کویر پیش‌تر نیز کتابی مشابه به نام چالش‌های توسعه در صنعت نفت ایران منتشر کرده بود که گزیده‌ی مقالات مطبوعات طی آبان ۱۳۷۸ و مرداد ۱۳۷۹ را دربر می‌گرفت. این کتاب قاعداً باید دومین رشته از همین مجموعه باشد منتها در عنوان کتاب، سخنی از «موج» به میان نیامده است.

آنان که در نگارش مقولات انرژی دستی دارند و یا مقولات صنعت نفت را پیگیری می‌کنند، به خاطر می‌آورند که در دو دوره‌ی مزبور حجم مطالب انتقادی علیه عملکرد وزارت نفت در مطبوعات کشور به یکباره افزایش چشمگیری یافت، چنانکه در هر روزنامه‌ای، صرف نظر از وابستگی جناحی آن مطالبی در این خصوص یافت می‌شد. به نظر می‌آید که برگزیدن نام «موج دوم» تلویحاً به انبوه انتقادات مندرج در مطبوعات کشور اشاره دارد منتها در این مجموعه اثری از چنین موجی دیده نمی‌شود بیشتر مطالب گزیده شده، جنبه‌ی کارشناسی و غیرجنگالی دارد.

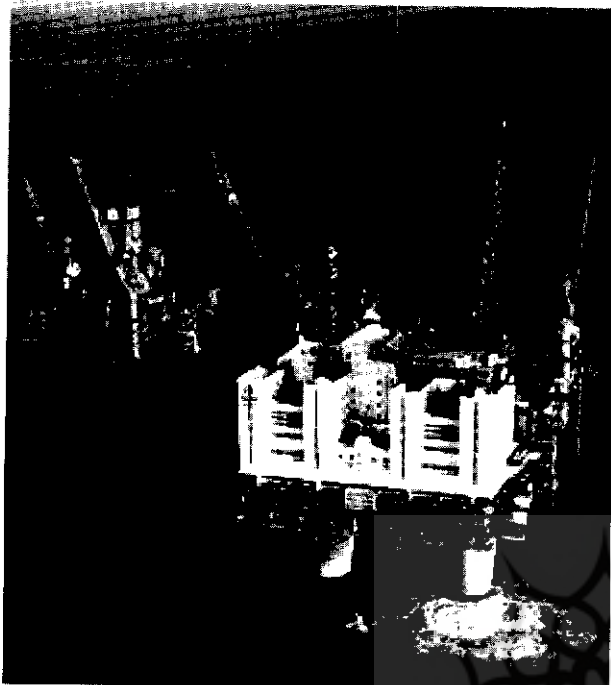
## ضد موج در صنعت نفت ایران

ژوئیه‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سعید خوشرو



- موج دوم: چالش‌های توسعه در صنعت نفت ایران
- داریوش مبصر و دیگران
- انتشارات کویر
- ۱۳۸۱، ۱۵۰۰ نسخه، ۳۳۰ صفحه،



چه بیشتر از منبع این میدان مشترک ارائه شده و بر ضرورت و لزوم توجه بیشتر مسئولین به توسعه میدان‌های مشترک تأکید شده است.

فصل سوم، «ظرفیت‌سازی در بخش نفت» نام گرفته است. ذیل این عنوان، پنج مقاله و یادداشت کوتاه آمده است که در آنها بر ضرورت توسعه‌ی میدان‌های نفتی و افزایش ظرفیت تولید تأکید و برای این ادعا، ادله‌ای هم آورده شده است. همچنین از چند و چون قراردادهای منعقد شده، برای توسعه‌ی میدان‌های نفتی، گزارشی ارائه گردیده و بر ناکام بودن آن تأکید شده است.

وجوه تمایز و تشابه رویکرد کویت و ایران به توسعه‌ی میدان‌های نفتی و شیوه‌های جلب سرمایه‌ی خارجی در صنعت نفت و گاز این دو کشور، از دیگر محورهایی است که در مطالب این فصل می‌توان نشانی از آن یافت.

در فصل چهارم، ذیل عنوان «صنایع پایین دستی بخش نفت و گاز»، یادداشت‌هایی درخصوص وضعیت صنعت پتروشیمی کشور و چشم‌انداز آن، ضرورت توجه صنایع خودروسازی به استفاده از گاز طبیعی فشرده «سی ان جی» و چشم‌انداز بازار گاز طبیعی مایع شده «ال ان جی» برگزیده شده است.

در فصل پنجم یکی از مهم‌ترین، حساس‌ترین، و در عین حال جنجالی‌ترین موضوعات مرتبط با صنعت نفت، یعنی «قراردادهای بیع متقابل و چارچوب قراردادهای نفتی» اختصاص یافته است.

مطالب این بخش، در قیاس با سایر فصول، متنوع‌تر و مطول‌تر است. شاید این فصل مشتاقان بیشتری داشته باشد. چرا که این نوع قراردادها در بلو امر برای اکثر کارشناسان چندان شناخته شده نبود، و به ظاهر نوعی قرارداد «من درآوردی» دولتمردان ایران به نظر می‌رسید. در مقالات برگزیده شده در این فصل چارچوب، سابقه و عملکرد، شیوه بازپرداخت هزینه‌ها و سیر تکوینی قراردادهای بیع متقابل در صنعت نفت آورده شده است. همچنین چارچوب این‌گونه قراردادها با قراردادهای متداول‌تر مشارکت در تولید مقایسه شده است.

درخصوص مطالب این فصل اشاره به این نکته خالی از لطف نیست که اکثر مطالب این فصل برای بسیاری از کارشناسان حوزه‌ی اقتصاد و انرژی و یا دیگر کارشناسانی که به جهتی از جهات به موضوع شیوه‌های جلب سرمایه در صنعت نفت و گاز علاقه‌مند هستند، ناشناخته و مبهم بوده است و از این روی احتمالاً مطالب این فصل به مذاق خوانندگان خوش‌تر می‌آید.

در هر یک از فصول ششم و هفتم، دو مقاله بیشتر نیامده است که به ترتیب به «مشکلات تأمین منابع مالی از بازارهای بین‌المللی» و «امنیت ملی و سرمایه‌گذاری» پرداخته شده است با این تفاوت که مطالب فصل هفتم طولانی‌ترین مقالات این مجموعه است که در قیاس با سایر مطالب ماهیت غیر روزنامه‌ای‌تر و تفصیلی‌تر دارد.

فصل هشتم در واقع مطالب متفرقه‌ای است که تحت نام مشخصی قابل ارائه نبوده است. هم از این روی «دیگر موضوعات مرتبط با بخش نفت و گاز» نام گرفته است.

در این فصل مطالبی درخصوص رویکرد افزایش قیمت انرژی، مداخله‌ی پنهان و بودجه‌ی پنهان دولت، حساب ذخیره ارزی و دریای خزر در صحنه رقابت بین‌المللی گرد آمده است.

اما فصل نه و ده حال و هوایی دیگر و متفاوت دارد چرا که رنگ و بوی نقد و نقادی به خود گرفته است.

**این که آوردن سخن نمایندگان مخالف و موافق وزیر پیشنهادی رئیس‌جمهور برای وزارت نفت در این مجموعه چه علتی داشته، جای تأمل دارد**



**مهم‌ترین ویژگی مقالات کتاب حاضر این است که به تلویح به انبوه مسائلی پرداخته شده که در نوشته‌های بسیاری به صورت مبهم و سؤال‌انگیز از آنها یاد شده است**



کارشناسان پیش‌تر به انحای مختلف در مطبوعات آن دوره انعکاس داده بودند. دفاعیات وزیر پیشنهادی و نمایندگان موافق نیز همین ویژگی را دارد.

از این روی مطالب این فصل را می‌توان رسمی‌ترین و شفاف‌ترین انتقادات علیه وزارت نفت دانست که قاعداً وزارت‌خانه‌ی مذکور تلاش وافر نموده تا به بهترین و منطقی‌ترین شکل ممکن به آن پاسخ دهد. به این ترتیب علاقمندان به این‌گونه مباحث می‌توانند محور انتقادات وارد بر وزارت نفت و توجیهات متولیان و متصدیان این وزارتخانه را به راحتی و سهولت بیابند و درخصوص قوت و صحت ادعای طرفین قضاوت کنند. جالب این که مطالب این فصل در هیچ نشریه‌ی عمومی به این اندازه مفصل و کامل انتشار نیافته است.

نشریات آن دوره بسیار کلی به سرفصل مطالب پرداخته‌اند. ظاهراً متن سخنان نمایندگان مجلس در مخالفت و موافقت با انتصاب وزیر پیشنهادی نفت از نشریات خود مجلس شورای اسلامی گرفته و به این شکل در اختیار خوانندگان قرار داده شده است.

تا به این جا تلاش کردم گزارشی اجمالی از محتوای این کتاب ارائه دهم تا خوانندگان بتوانند با وقوف بر آنها تشخیص دهند این مجموعه تا چه اندازه به کارشان می‌آید اما درخصوص مزایا و نقایص آن نیز نکاتی به ذهن نگارنده این سطور می‌رسد که شاید برای مشتریان احتمالی خالی از فایده نباشد.

مقالات برگزیده شده، چه به لحاظ کیفیت و چه به لحاظ کمیت همخوان نیستند به این معنی که بعضی از مقالات کوتاه و مختصر است و بیشتر به یادداشت‌های معمول در نشریات می‌ماند، در حالی که برخی دیگر طولانی و تفصیلی است. به لحاظ کیفی نیز همین‌گونه است چرا که هم مطالبی ضعیف به قلم نوخامگان و تازه‌کاران برگزیده شده و هم مطالبی

در فصل نهم ذیل عنوان «نقد صاحب‌نظران بر قراردادهای بیع متقابل» خلاصه‌ای از دو مقاله انتقادی به قلم عبدالله جعفری و حسین نورالدین موسی آورده شده است.

این دو مقاله در اصل مفصل و طولانی بوده است و نویسندگان آن رئیس‌جمهوری را مورد خطاب قرار داده و به تفصیل به نقد عملکرد وزارت نفت پرداخته‌اند. این دو مطلب که در نشریه‌ی عصر ما به چاپ رسیده بود واکنش رجبعلی مزروعی نماینده مردم اصفهان در مجلس شورای اسلامی و عضو کمیسیون انرژی را برانگیخت و جوابی تفصیلی به همان روزنامه ارسال کرد. سابقه‌ی این سؤال و جواب در این فصل از کتاب آمده است. منتها مقالات انتقادی به صورت خلاصه و پاسخ مقالات کامل است و شاید در نظر اول این نوع گزینش مطالبه کار درستی به نظر نیاید. اما به دقت که بنگریم، می‌بینیم در مطالبی که برای رفع ابهام نویسندگان منتقد و در پاسخ به آنها آمده است، در هر بند نخست سرفصل انتقاد آمده و در پاسخ به آن مطالبی ایراد شده است. به این ترتیب کمتر نکته‌ای از مقالات خلاصه شده از دست می‌رود. چهار مطلب مذکور بخش عمده‌ای از فصل نه را تشکیل داده است. چهار مطلب کوتاه و یادداشت‌گونه دیگر نیز در این فصل آمده است که به گونه‌ای نقدی بر نقد و دست کم شیوه‌ی نقد دیگر کارشناسان نفتی است.

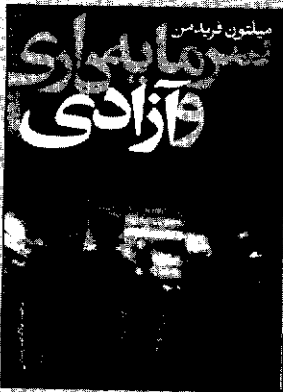
فصل آخر این مجموعه «رأی اعتماد» نام گرفته است. در این قسمت سخن نمایندگان مخالف و موافق مهندس زنگنه، فرد پیشنهادی رئیس‌جمهوری برای احراز سمت وزارت نفت تمام و کمال آمده است.

این که آوردن این سخنان در این مجموعه چه علتی داشته، جای تأمل دارد. اما خاصیت آن این است که لب انتقادات وارد بر عملکرد وزارت نفت در آن گرد آمده است چرا که ایرادات نمایندگان مجلس بر عملکرد وزارت نفت به نوعی، مهم‌ترین انتقادات وارد بر این وزارتخانه بوده است که بسیاری از

- سرمایه‌داری و آزادی
- میلتون فریدمن
- علامه رضا رشیدی
- نشر می

○ ۲۲۰ نسخه، ۲۵۲، ۱۳۸۰ صفحه، ۲۲۰ نسخه

فریدمن برنده جایزه نوبل اقتصاد پیشگام مکتب پولی، از جمله اقتصاددانان طرفدار مکتبیزم بازار و مدافع آزادی فردی برای تصمیم‌گیری اقتصادی است. وی برای آزادی‌های فردی اهمیت زیادی قائل و برای حفظ آن معتقد به محدود



کردن دخالت دولت است. در این رابطه فریدمن عقاید خود را در کتاب سرمایه‌داری و آزادی مورد بحث قرار داده است.

در دو فصل نخست کتاب رابطه‌ی آزادی اقتصادی با آزادی سیاسی را تبیین می‌کند و سپس به نقش دولت در جامعه‌ی آزاد می‌پردازد و در فصل‌های بعد با ارائه‌ی مثال‌ها و آمارهای مشخص از اقتصاد آمریکا عملکرد دولت را در زمینه‌های مختلف اقتصادی - اجتماعی بررسی می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که عملکرد دولت به هیچ وجه رضایت بخش نیست.

آیا هرگونه ترتیبات سیاسی را می‌توان با ترتیبات اقتصادی درهم‌آمیخت؟ به عبارت دیگر آیا می‌توانیم حکومت‌هایی از نوع سوسیال دموکرات داشته باشیم؟ پاسخ فریدمن به این پرسش منفی است. وی سیاست و اقتصاد را دو مقوله‌ی جدا از هم نمی‌داند و آزادی اقتصادی را شرط لازم برای آزادی سیاسی می‌شمرد و می‌افزاید که آزادی اقتصادی به عنوان یک هدف مطلوب تنها وسیله برای نیل به آزادی سیاسی به عنوان یک هدف والا تر است. سپس با ارائه‌ی چند مثال به نقش بازار در ایجاد و حفظ آزادی اقتصادی و آزادی سیاسی می‌پردازد.

اما در رابطه با نقش دولت در جامعه‌ی آزاد، فریدمن فعالیت‌های اعضای یک جامعه را همانند یک بازی می‌داند که چارچوب آن را قوانین بازی شکل می‌دهند و دولت را نیز به عنوان داور این بازی می‌شناسد که نقش قانونگذار و داور را دارد و اضافه می‌کند که دولت باید وظایفی را به عهده بگیرد که انجام آن از عهده بازار بر نمی‌آید. این وظایف عمدتاً اعمال قوانین مختلف و ابقای نقش میانجیگری است. سپس اضافه می‌کند که از این لحاظ دخالت دولت قابل توجیه است و این نقش تجلوز به حریم آزادی‌های فردی و اجتماعی نیست. فریدمن برای اثبات نظر خود مبنی بر اینکه اگر کارنامه اقدامات دولت را منصفانه بررسی کنیم نتیجه‌ی بررسی اصلاً رضایت بخش نخواهد بود، به بررسی و نقد برخی از اقدامات دولت می‌پردازد.

در رابطه با نظارت دولت بر پول ابتدا دستیابی به اشتغال کامل و رشد اقتصادی را بهانه‌ی برای دخالت گسترده‌ی دولت معرفی می‌کند و می‌گوید آنچه ما برای رشد و ثبات اقتصادی بدان نیاز داریم کاهش دخالت دولت است نه افزایش آن. رکود بزرگ جهانی ۱۹۳۰ را به علت سیاست پولی بانک مرکزی و مدیریت بد دولت می‌داند. با نظر کنیز در این رابطه منفی بر نارسایی‌های نظام بازار مخالفت می‌کند. راه حل وی در این زمینه وضع مقررات برای آگاهی سیاست پولی کشور است تا مردم بتوانند از طریق مقامات سیاسی، خود بر سیاست پولی نظارت کنند.

همچنین درباره‌ی تجارت خارجی مخالف محدودیت‌های تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای است و تنها مکانیسم همساز با بازار آزاد و تجارت آزاد را نظام نرخ‌های آزاد و شناور ارز می‌داند.

فریدمن با آنجا پیش می‌رود که حتی در مورد طبابت هم با صنوبر جواز کسب مخالفت می‌کند و آن را معایر با انتخاب آزاد شغل می‌داند و بازار را بهترین و سالم‌ترین معیار معرفی کالا و خدمات می‌شمرد.

در خصوص توزیع درآمد و راه اجتماعی و کاهش فقر، عملکرد نظام سرمایه‌داری را موفق‌تر از سایر نظام‌ها می‌داند وی مخالف اقدامات اجباری دولت است و تنها راه مناسب را نظام بازار و اقدامات داوطلبانه مردم می‌داند.

هادی زاهد غروی

## قراردادهای بیع متقابل در بدو امر برای اکثر کارشناسان چندان شناخته شده نبود و نوعی قرارداد «من درآوردی» دولتمردان ایران به نظر می‌رسید



### شاید انتخاب مقالات این کتاب بیشتر بر این مبنا بوده که نویسندگان مقالات کمتر وارد مسایل سیاسی و جنجالی شده‌اند

قوی و مستحکم و با منطقی استوار. معدودی از مطالب به واقع یادداشت روزانه برخی از مطبوعات است که نکات ارزنده‌ای دربر دارد با وجود این شاید بهتر بود در این مجموعه که قاعدتاً مطالب آن نباید با گذشت زمان از تازگی بیفتند، جای نگیرد. در عوض مقالاتی هم هست که گذر زمان از طراوت و جذابیت آنها نمی‌کاهد و به مذاق مشتاقان خوش خواهد بود.

مجموعه مقالات انتخاب شده به قلم معدود افرادی است که در حوزه‌های مختلف مربوط به نفت و گاز قلم فرسایی کرده‌اند. شاید انتخاب مقالات این کارشناسان بیشتر به این دلیل بوده است که آنها کمتر وارد مسایل سیاسی و جنجالی دوره مورد بحث شده‌اند. به نظر نگارنده‌ی این سطور، اگر متولیان این کتاب حوصله‌ی بیشتری به خرج می‌دادند، شاید می‌توانستند مقالات ارزشمند دیگری نیز بیابند که، هم حال و هوای هیاهو و جنجال سیاسی نداشته باشد، هم از مایه و پایداری در خور برخوردار باشد. اما معلوم نیست که چرا به انتخاب مقالات چند تن از کارشناسان، هر چند خوب، بسنده شده است. البته بسیاری از مطالب برگزیده شده، ارزشمند و خواندنی است و از پرتوی حوادث و جنجال‌های آن دوره رنگی ندارد و در عین حال ممکن است در زمان چاپ، در بین انبوه مطالب کم مایه گم شده و از چشم علاقمندان گریخته باشد. به این ترتیب این‌گونه مطالب با گردآمدن در این مجموعه معنایی تازه یافته و پیامی دیگر در بر گرفته است.

مهم‌ترین ویژگی مجموعه مقالات این کتاب آن است که به تلویح به انبوه مسائلی پرداخته شده که در نوشته‌های بسیاری به صورت مبهم و سؤال‌برانگیز از آنها یاد شده است. به واقع اگر مجموعه حجیم مطالب انتقادی در این حوزه بازخوانی شود، درمی‌یابیم که محور این مطالب در کمتر از پانزده بند قابل ارائه است که با زبان‌ها و بیان‌های مختلف و از دهانها و قلم‌های متفاوت ایراد شده است. مجموعه مقالات ارائه شده عمدتاً حول و حوش مطالبی است که دیگران آنها را مبهم دانسته‌اند و از کمبود اطلاعات پیرامون آن محورها، گله و شکایت کرده‌اند. یکی از محاسن این مجموعه در این است که پاسخ بسیاری از سوالات و ابهامات موجود در حوزه نفت و گاز در آن یافت می‌شود.

در پایان این را هم اضافه کنم که به آنچه درخصوص مزایا و نقایص این مجموعه گفته شد، هنوز می‌توان مطالبی افزود که امیدوارم دوست دیگری این وظیفه را بر عهده بگیرد. همچنین کوشش متولیان این مجموعه را باید پاس داشت و اشتیاقی در خور نشان داد تا این عزیزان به ادامه راهی که در پیش گرفته‌اند دلگرم و امیدوار گردند.